

جبهه اصلی، جبهه جنگ برای دفع تجاوز امریکایی صدام است.

صبح روز ۳۱ خرداد - امام خمینی، در برابر گروهی از علماء، روحانیون و خطبا در حسینیه جماران نطق مهمی، درباره جبهه اصلی جنگ، ایراد کردند. رفقا طبعاً این نطق امام را شنیده و یا خوانده‌اند. یادآوری کنیم که مضمون سخنان امام این بود که نمی‌توان و نباید در آن واخذ در دو جبهه، هم در جبهه جنگ با رژیم صهیونیستی اسرائیل در لبنان، و هم در جبهه جنگ با رژیم فاشیستی صدام جنگید. جنگیدن هم زمان در هر دو جبهه، تقسیم توجه و تقسیم نیرو است که خطر عدم توفیق در هر دو جبهه را دربردارد و این هدف امریکا و متحد صهیونیستی اوست. رهنمود امام دقیق است.

همانطور که در بولتن هفته گذشته نیز اشاره کردیم، جبهات نبردی که در سطح منطقه درگرفته است، از یکدیگر جدا نیستند. در هر یک از این جبهات، دشمن شکسته شود، شکستی برای تمام نیروهای امریکایی - صهیونیستی در سطح منطقه است. بنابراین ما اگر دشمن را در جبهه نبرد با ارتش متجاوز صدام امریکایی بشکیم در واقع و در عمل ضمن پاکسازی خاک کشور خودمان از دشمن متجاوز، ضربات کوبنده به مجموع نیروهای امپریالیستی - صهیونیستی - ارتجاعی در منطقه وارد کرده‌ایم.

ضمناً می‌دانیم که ارتش متجاوز صدام، متحمل شکستهای جدی شده و صدام با نقاب "صلح‌خواهی" در صدد اغتنام فرصت برای جمع و جور کردن ارتش متجاوز خویش است، این فرصت را نباید به او داد. اگر صدام راست می‌گوید که حاضر است تمامی خاک ایران را تخلیه کند، بگفته امام، گو "بمرو بدم". هیچکس مانع او نیست که این نخستین شرط برقراری صلح را اجرا نماید. ولی صلح عادلانه شروط دیگری نیز دارد، از جمله فراموش جنگ، که متجاوز شکست خورده باید تقبل و ادا کند. ولی صدام نمی‌تواند به چنین شرایطی تن در دهد، زیرا در اینصورت باید باین سوال - حق مردم عراق پاسخ دهد که چرا اقدام به ماجراجویی جنایتکارانه، جنگ تجاوزی علیه ایران کرده است.

مردم عراق در این جنگ تجاوزکارانه، خسارت بسیار دیده‌اند و بی‌جهت قربانیهای فراوان داده‌اند. آنها گریبان باند صدام را خواهند گرفت و زمینه سقوط رژیم صدام که هم اکنون هدف مبارزات احزاب و گروههای سیاسی مختلف مترقی است، بیشتر فراهم خواهد شد. صدام و دارو دستهای این سرنوشت را می‌بینند و در نتیجه با نقاب صلح به جنگ، مذبوحانه ادامه می‌دهند، آتش‌سوزی اعلام می‌کنند ولی مدام آبادان و دیگر نقاط را با توپ و بمب می‌کوبند. نقاب صلح‌خواهی صدام امریکایی علامت ضعف است و ادامه جنگ تجاوزکارانه و جنایتکارانه او نشانه تلاش مذبوحانه برای عدم پذیرش صلح عادلانه. لذا تا رژیم متجاوز عراق به صلح عادلانه تن در ندهد و تسلیم نشود، جبهه جنگ برای دفع تجاوز امریکایی رژیم صدام، جبهه اصلی است، یعنی عمده قوای جبهه‌ای ایران باید در این جبهه متمرکز باشد و در این جبهه عمل کند.

"خط انقلاب، خط ضدامپریالیستی، ضد سرمایه داری و ضد فتوای المسم است." (شهید آیت الله دگتر بهشتی)

عزل بنی صدر، بفرمان امام، از مقام جانشین فرماندهی کل قوا و سپس برکناری او از مقام ریاست جمهوری توسط مجلس شورای اسلامی، پایان پیروزمندانه مبارزه‌های دشوار و دراز مدتی بود که بین نیروهای خط انقلاب، نیروهای خط امام با جبهه متحد ضدانقلاب به پرچم داری بنی صدر در گرفته بود. بنی صدر در اجرای سیاست امپریالیسم سرکردگی آمریکا، می‌کوشد که با استفاده از مقام ریاست جمهوری و جانشین فرمانده کل قوا، مجموعه نیروهای ضد انقلابی را در یک جبهه گرد آورد، خط امام را منزوی کند، انقلاب را مسخ و از محتوی ضدامپریالیستی و مردمی تهی سازد، حکومت و نظامی "منطق با ارزشهای غرب" محدوداً در ایران برقرار کند.

شوه گار او در زمینه سیاسی - تبلیغاتی علم کردن "آزادی" برای منسی کردن استقلال و مطرح کردن شوروی برای منسی کردن آمریکا بود. همه نیروهای ضدانقلابی از ساواکها و سلطنت طلبان گرفته، تا لیسراها و رهبری خائن مجاهدین و چپینمایان امریکایی و مائوئیستهای جاسوس سیا و نیز عوامل السلاطین، مضمون "خط بنی صدر" را دریافتند و گرد او حلقه زدند. ولی این توطئه خطرناک با شکستی بزرگ روبرو شد و اهمیت پیروزی بر آنها مردم بخوبی دریافتند و نام آنها بدرستی "انقلاب سوم" نامیدند. یکبار دیگر انقلاب نجات یافت.

ولی آمریکا جانوری نیست که نتواند جنم طمع از ایران - بزرگترین منبع "منافع حیاتی" او در منطقه برگرداند. آمریکا به سویه‌های خناسکارانه متروور شخصتهای انقلابی که همیشه و در همه جا قصد "بی سر کردن و شکستن انقلابها به اجرا گذارده و می‌گذارد، منوسل شد. "عوامل نمودی" آمریکا دست بکار شدند.

جنایت از پیش برنامه ریزی شده و بی مانند انفجار تالار حزب جمهوری اسلامی بهنگام جلسای که در آن گروه بزرگی از رهبران انقلاب، نمایندگان مجلس، وزیران و معاونان وزارتخانه‌ها شرکت داشتند بوقوع پیوست. فاجعه عظیمی رخ داد و بیش از هفتاد تن از مسئولین، گروه بزرگی از انقلابیون راستین و شخصتهای موثر پیرو خط امام و در رأس آنها شخصیت بزرگی نظیر آیت الله دگتر بهشتی شهید شدند. چیزی نگذشت که جنایت مشابهی در دفتر نخست وزیر تکرار شد که منجر به شهادت رئیس جمهور رجایی و نخست وزیر باهنر گردید. هدف از ارتکاب این جنایات هولناک، فلج کردن دستگاه حکومتی، مجلس و دولت و دیگر ارگانهای دولتی بود. به این امید که بدین وسیله شیرازه امور در کشور گسیخته شود، کشور دچار هرج و مرج و رهبری انقلاب دچار سردرگمی شود، تجاوز امریکایی رژیم صدام جنایتکار، کاری افتد، زمینه برای چیره شدن ضدانقلاب فراهم آید، انقلاب شکسته شود و با تسلیم گردد. ولی امپریالیسم سرکردگی امریکای جنایتکار - باین هدف نابکارانه خود دسترسی نیافت، زیرا پایگاه مردمی انقلاب را نادیده گرفته بود. در "مغز متفکر" امپریالیسم و ارتجاع دستگاهی که بتواند نیروی انقلابی مردم انقلابی بها خاسته را بحساب آورد، تمییه نشده است. امریکانه در ویتنام و نه در ایران نه در فلسطین، نه در هیچ کجای دیگر نتوانسته است مردم را که بگفته حجت الاسلام رفسنجانی "اساس" هستند، بحساب آورد. والا امپریالیسم در طرح انواع توطئه‌ها و جنایات فجیع و اجرای آنها "نقصی" ندارد. در ایران و در هرکجای دیگر تا توده‌های میلیونی مردم در صحنه مبارزه باشند و فعالانه از انقلاب خود پشتیبانی و دفاع کنند و تا از وجود رهبری و سکانداری تا آخر انقلابی و مدبر برخوردار باشند، انقلاب شکست ناپذیر است.

فاجعه هفتم تیر و هشتم شهریور - ضایعه عظیمی برای انقلاب بود، خسارت عظیمی به انقلاب وارد آورد. ولی واکنش مردم چنان عظیم و وسعتی بخود

گرفت که نشان داد پایگاه مردمی انقلاب همچون کوه پاریس است. ملیونها مرد و زن انقلابی مستضعف، در تشیع جنازه آیتالله دکتر بهشتی و دیگر باران و بیرون امام به خیابانها ریختند و چنان شوری از خود نشان دادند که جز استقبال مردم از ورود امام، نظیر دیگری بر آن نمی توان یافت.

انقلاب به رهبری امام و به کمک بیرون راستین خط ضدامپریالیستی و مردمی امام و با تکیه به توده های دهها ملیونی زحمتکشان شهر و روستا که پایگاه مردمی انقلابند، اکنون توانسته است همه توطئه های امپریالیسم سرگردگامی آمریکا را - از جمله کودتای "توزه"، تروریسم سیاسی، بلواها و شورش های مسلحانه، تجاوز آمریکایی رژیم صدام، توطئه اخیر ترنیتاری - قطب زاده را بشکند، خنثی کند، در مقابل "تروریسم اقتصادی" و انواع دیگر دانش و فشارها و دستورهای "طبیعی" و مصنوعی مقاومت و ایستادگی کند. این پایگاه مردمی انقلاب را باید همچون مردمک دیده حفظ کرد، تا انقلاب پابرجا و استوار باقی ماند.

حفظ پایگاه مردمی انقلاب مستلزم حرکت بسوی مستضعفین است. هر چه سریعتر و هر چه قاطع تر بسوی محرومان و زحمتکشان است. شهید آیتالله دکتر بهشتی می گفت:

در نخستین مرحله انقلاب به سلطه سیاسی آمریکا پایان دادیم و در مرحله دوم انقلاب، سلطه اقتصادی آمریکا (امپریالیسم سرگردگامی آمریکا) را دردم می شکنیم. در جامعه آینده ما تروتمندان بزرگ وجود نخواهند داشت. ... برنامه اصلی انقلاب همان است که عرض کردم، پیش بسوی نظام اقتصادی عدل اسلامی که در آن هیچگونه مکانی برای استثمار و بهره کشی وجود نخواهد داشت.

آیتالله دکتر بهشتی بحق عقیده داشت که برای راهی از سلطه اقتصادی امپریالیسم و برای تحقق استقلال اقتصادی که بدون آن "استقلال واقعی نخواهیم داشت" باید پایگاه های اقتصادی - اجتماعی امپریالیسم، سرمایه داری بزرگ وابسته و بزرگ مالکی لغو گردد. شهید بهشتی می گفت:

"کشاورزان ما در جمهوری باید روی زمین کار کنند که متعلق به خود آنها باشد، و کارگران ما در جمهوری اسلامی باید با ابزار و سرمایه های کار کنند که متعلق به خود آنها باشد.

او شامین بقا، و رشد انقلاب را عدالت اجتماعی - اقتصادی می دانست، می گفت:

"الآن یک میلیون، دو میلیون، سه میلیون (مرد) جامعه نمی از تولید را مصرف می کنند و سی و سه میلیون (نفر) دیگر نیم دیگری را، این قابل دوام نیست، این عادلانه نیست، این اسلامی نیست، این عملی نیست. باید امکانات زندگی و امکانات کار در این جامعه طوری تقسیم شود که همه مردم ما احساس عدالت اقتصادی و اجتماعی کنند. و الا با شمار مسائل حاصل نمی شود... باید به همه افراد جامعه امکان داد که باندازه کافی غذا بخورند، باندازه کافی حرکت و تلاش کنند، باندازه کافی درس بخوانند، مهارت یاد بگیرند، امکان رشد داشته باشند و وقتی مهارت یاد گرفتند، باید به آنها امکان داد که برای خودشان کار بکنند و مجبور نباشند کارشان را با دست مزد ناچیز به دیگران بفروشند. زمینه استثمار باید از بین برود.

شهید آیتالله دکتر بهشتی - معنای یکی از برجسته ترین پیروان و مجربان خط امام، نیک می دانست که علاوه بر عدالت اقتصادی - اجتماعی، ایجاد و حفظ محیطی که در آن همه نیروهای انقلابی همه احزاب و سازمانهای سیاسی مدافع و پشتیبان انقلاب بتوانند آزادانه فعالیت کنند، برای تثبیت و تحکیم و پیروزی نهایی انقلاب، ضرور است. او طراح طرح پنج ماده ای احزاب بود که در آن کترین محدودیتی برای فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی مدافع انقلاب مردمی و ضدامپریالیستی نبود، او عقیده داشت که آزادی عقاید سیاسی آزادی اسناد، آزادی بحث و سخنرانی برای همه افراد و سازمانهای سیاسی بر مبنای "خط اصلی انقلاب" باید نامین و تضمین شود و می گفت:

هیچکس بخاطر عقیده سیاسی از کار برکنار نمی شود

می گفت:

انتقاد سازنده و مسئولانه از مسئولان در تمام سطوح آزاد است. برای همه مردم که صاحب هرگونه عقیده ای باشند.

می گفت:

آرمان همه ما اینست که نژادها، راديو تلویزیون، سخنرانیها از آزادی هرچه بیشتر برخوردار باشد و از این آزادی بسود بیشتر مردم ما در خط اصل انقلاب استفاده کند.

حود شهید آیتالله دکتر بهشتی - خنانکه همه می دانند - در نخست آزاد راديو تلویزیونی با تماشاگران حرب بوده ایران - سازمان فدائیان خلق

ایران (اکثریت) حرکت کرد می گفت:

شما مردم ایران مطمئن باشید که ما احدی را بدلیل انتقاد از خودمان و یا انتقاد از دست اندرکاران دیگر جمهوری اسلامی به هیچ عنوان نمی گذاریم کسی تعقیب کند، تهدید کند.

شهید آیتالله دکتر بهشتی در خط اصلی مبارزه انقلابی - خط مبارزه ضدامپریالیستی هشیار، قاطع و سازش ناپذیر بود. "تا زنده ایم تحت هیچ شرایطی تسلیم آمریکا و افسار اروپائیش نمی شویم." او شیوه های را که دشمنان خارجی و داخلی انقلاب، برای منحرف کردن افکار عمومی از خط اصلی آمریکا و عمال داخلی اش بکار می بستند (و می بندند)، هشیارانه تشخیص می داد. او از شانناز جوسازان که "حسن نظر" نیست به "توده ها" و با نسبت به شوروی را حربه ای برای خطه پهلوان راستین خط امام می ساختند پاک نداشت. می گفت:

"یک سری گوشه هایی می شود که حساسیت منتقل شود به حزب توده و شوروی که در این کشور بزرگ شوند و لولوی مارکسیسم علم شود. اینها سعی می کنند که حساسیت ضدامپریالیستی و ضدامریکایی کم شود. این را ما اجازه نمی دهیم."

(اطلاعات ۱۱ آبان ۱۳۵۹)

آیتالله دکتر بهشتی از رهبران دانا و توانای انقلاب در خط امام بود. آمریکا با ارتکاب جنایت عظیم هفتم خیرماه، بهشتی و مردان انقلابی دیگری را از انقلاب گرفت. انقلاب لرزید ولی مردم ملیونی به رهبری امام انقلاب را حفظ کردند و استحکام بخشیدند. اینک بمناسبت فاجعه دردناک هفتم مراسم گسترده ای برپاست، از شهید دکتر بهشتی و دیگر یاران شهید امام همه جا تجلیل بعمل می آید. ولی بهترین تجلیل از شهید بهشتی و دیگر شهدای انقلاب، اجرای خط انقلابی امام در عمل، اجرای گفته های آیتالله بهشتی

آست که پارهای از آنها را در زمینه های مختلف نقل کردیم.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، در گرامیداشت خاطره پر فروغ شهیدان فاجعه هفتم خیرماه، خود را سهم می داند و در مراسم این روز که به درستی و بجا "روز شهیدان" در جمهوری اسلامی ایران، نام گذاری شده است شرکت می کند و خاطره این شهیدان و همه شهدای انقلاب را با صداقت انقلابی ارج می نهد. ما شهادت آیتالله بهشتی، حجت الاسلام محمد منتظری، محمد علی رجایی، حجت الاسلام دکتر محمد جواد ابانتر، آیتالله مدنی، آیتالله دستغیب، حجت الاسلام هاشمی نژاد، همه دیگر شهیدان انقلاب و مجری خط امام، همه مردان و زنان و جوانانی که در مبارزه برای پیروزی انقلاب و برای حفظ انقلاب در جبهه جنگ، علیه تجاوز امریکایی و جنایتکارانه صدام و با بدست ضدانقلاب در پهنه کشور شهید شده اند را به رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران امام خمینی، به مسئولان عالی رتبه پیرو خط امام - به همه مردم قهرمان انقلابی مینمان، به حزب جمهوری اسلامی، به همه نهاد های انقلابی و به خانواده و خویشان و آشنایان آنان صمیمانه تسلیم می گوئیم و ابراز اطمینان می کنیم که انقلاب ما در برترو رهبری مدبرانه امام خمینی و بهمت مسئولان پیرو خط امام، با تکیه به پایمردی مردم ایثارگر و بیباخته - توده های دهها ملیونی محرومان و زحمتکشان و مستضعفان کشور، این پایگاه عظیم مردمی انقلاب، خون شهیدان بهتر نخواهد رفت، پیروزی نهایی بدست خواهد آمد، آماج های اصلی انقلاب استقلال، آزادی، عدالت اجتماعی - در جمهوری اسلامی ایران تحقق خواهند یافت، اتحاد بزرگ خلق - اتحاد همه نیرو های راستین انقلابی - پیروزی انقلاب را برکت ناپذیر خواهد کرد.

به یاد شهدای هفتم خیرماه، سازمان اعلامیه ای انتشار داده است و در آن به دیه های بزرگی که باید از این "روز برجسته" آموخت، تاکید کرده است. در این اعلامیه خطاب به تمامی هم میهنان گفته شده است که:

بگوئیم تا هر چند و هرگونه از این درسیها را بدقت فراگیریم و آویزه گوش خود سازیم و به دیگران نیز بیاموزیم.

این اعلامیه به همه کسانی که از صمیم دل این روز را ارج می نهند و داغ شهیدان انقلاب و جنگ تحمیلی را بر سینه دارند می آموزد که امپریالیسم جهانی و در رأس آن آمریکا و عمال داخلی اش، از انقلاب ما دست بردار نیستند و تا به آخر و به تمامی اشکال با ما دشمنی خواهند کرد."

می آموزد که:

"تا وقتی ملاک انقلابی بودن وفاداری می خدش به آماج های انقلاب نباشد، خطر نفوذ عناصر و عمال امپریالیسم همچنان به قوت خود باقی است"

می آموزد که:

پایان کار هرآنکس که خط دشمنی با دیگر نیرو های انقلابی را پیش می گیرد و در ادامه این راه، سسخنی می کند و اصرار می ورزد سرانجام به راهی کشیده می شود که ماثولبت ها و رهبران مجاهدین خلق کشیده شدند.

و بالاخره:

"از یک سو به ما می آموزد که بوان امپریالیسم را در بنگرهای انداختن عناصر کم تجربه و تازه کار صادق و انقلابی دست کم نگیریم، و از سوی دیگر به ما می آموزد که باید در مقابل این نقشه شوم هرچه بیشتر بر سیاست ارشاد ننگه کنیم و به گمراهان صادق و تازه کار و کم تجربه کمک کنیم که سیاست و تاکتیک های سراپا زوروانه و دغل بازانه امپریالیسم را بشناسند و چشم خود را به روی حقایق باز کنند."

ما مطالعه دقیق این اعلامیه و بردن مفاد آموخته آن به میان توده های مردم را به همه رفقا توصیه می کنیم. اعلامیه با اعلام شرکت سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در مراسم بزرگداشت این روز، پایان می یابد. در قسمت آخر اعلامیه آمده است:

((سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) خاطره شوکمند شهادت شهدای هفتم خیرماه را عمیقاً گرامی می دارد. فدائیان خلق ایران در سراسر مبین در هر مراسمی که برای بزرگداشت این شهدا برگزار می شود شرکت می کنند و همگان را نیز به شرکت در بزرگداشت این شهدا دعوت می کنند. بگذار مستحباتی کرده های که بانک مسرک بسوا مسریکا را در سالگرد این فاجعه خونین در فضای همه شهرها و روستاهای سبهن پرواز می دهد. عزم و اراده خلق قهرمان ما را در ایستادگی تنها بسه آخسور در مقابل امریکای جنایتکار بار دیگر به جبهاتیان اعلام دارد.

گرامی باد خاطره پرشکوه همه شهدای خلق ((

(۸)

در جلسه علنی مجلس (چهارشنبه ۲ تیرماه) به مناسبت و با دقت تر بگوئیم به بهانه تصویب آئین نامه احزابی قانون احزاب و گروهها در هیئت دولت ، سئوالی از طرف آقای عابدین زاده از وزیر کشور درباره قانون احزاب و آئین نامه احزابی آن مطرح شد . نامبرده به قول خودش پس از ۹ ماه ناگهان متوجه می شود که ۹ ماه از تصویب قانون احزاب گذشته و از وزیر کشور ایراد گرفت که چرا آئین نامه اجرایی این قانون در سه ماه گذشته تصویب نشده است . منظورش این نبوده که چرا زودتر احزاب طرفدار انقلاب زیر پوشش و حفاظ قانون فرار نکرفته اند تا این نیروها بی جهت و برخلاف قانون دچار مضقه و محدودیت هایی نشوند که اکنون در معرض آن هستند . برعکس منظورش این بوده که احزاب طرفدار انقلاب می بایستی " منحل " اعلام گردند . او به خیال خود برای زمین سازی این مقصود ، اتهام نفی را که تمام دشمنان انقلاب و سرخی از دوستان نادان انقلاب در مورد حزب توده ایران تکرار کرده اند بازگو کرد و گفت :

" این حزب یک حزب وابسته به شوروی است " و سر منای این اتهام لغو افزود که " این حزب باید منحل شود " او این دروغ بازاری را هم چاشنی " پیشنهاد " خود کرد که حزب توده " به تمام دار و دستاش دستور داده که ریش بگذارند و نماز بخوانند و از این حرفها " در مورد سازمان ما نیز به خود فشار بی حد آورد تا اتهامی بتراند و چون این فشار بی حاصل ماند گفت " فدائیان اکثریت نامشان را اکثریت و موافق انقلاب گذارده اند و زیر این کلمه موافقت با انقلاب هر کاری می کنند " آقای عابدین زاده برای خالی نبودن عریضه ضمناً تقاضا کرد که " نهضت آزادی هم باید وضعیت روشن شود " و در مورد انجمن حجتیه نیز " باید وضعیت روشن شود " به عقیده عابدین زاده با انحلال حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از یک سو و با " روشن شدن " وضع نهضت آزادی و انجمن حجتیه از سوی دیگر ، وضع سیاسی مملکت روشن می شود " او بدینسان گفت " کلاً وضع سیاسی آینده مملکت یک فضای روشن باید باشد "

ما آقای عابدین زاده را اصلاً نمی شناسیم ولی می دانیم که نماینده مجلس وظیفه دارد مدافع اصول مصرح در قانون باشد و قانون اساسی حق فعالیت آزاد

سیاسی را برای احزاب طرفدار و مدافع انقلاب تصریح کرده است و عابدینزاده این وظیفه‌اش را نمی‌شناسد.

ما ایشان را نمی‌شناسیم ولی می‌دانیم که نه حزب توده ایران و نه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به کسی دستور نداده‌اند که ریش بگذارند و نیز می‌دانیم که "ریش" اتهامات بی‌پشتوانه که ورد زبان مغرضان و ضدانقلابیون بوده و هست و متأسفانه دوستان نادان انقلاب نیز آنها را طوطی‌وار تکرار می‌کنند، دیگر درآمده است.

اما از آن "هرکاری" که سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) کرده، یک فقره اینست که ۱۰۶ نفر با نام و نشان مشخص تاکنون در جبهه جنگ تحمیلی در راه انقلاب و حفظ جمهوری اسلامی ایران شهید و قربانی داده است.

"من عاشقم، گواه من این قلب چاک‌چاک... در دست من جز این سنگ پاره پاره نیست"

ضمناً باید گفت که خوشحانه عابدینزاده در مجلس هم صدا و هم‌نواپی نیافت گرچه برخی از همان گروه‌هایی که عابدینزاده خواستار "روشن شدن" وضع آنهاست در مجلسند و در خط عابدینزاده‌ها هستند اما اکثریت نمایندگان مجلس، همان‌هایی که عمخوار انقلاب و معتقد به اجرای اصول قانون اساسی‌اند، عابدینزاده وار نمی‌اندیشند وزیر کشور هم به او گفت:

"صحبت آقای عابدینزاده راجع به گروه‌ها و بحث‌های دیگر در رابطه با خودشان است"

در میان رویدادهای سیاسی منطقه در مدتی که از فتح بزرگ خرمشهر می گذرد تشکیل اجلاس وزیران خارجه کشورهای عضو جبهه پایداری و دید و بازدیدهای پیاپی رهبران و مقامات دولتهای مرتجع منطقه از اهمیت ویژه ای برخوردار است. روزنامه جمهوری اسلامی در سرمقاله روز سه شنبه ۴ خرداد ماه عنوان "آزادی خرمشهر شکست بزرگ آمریکا" با توجه به انعکاس پیروزی های ایران در میان رهبران و مقامات دولتی مرتجع منطقه می نویسد:

"در این گیرودار، حدود ساعت چهار بعد از ظهر دیروز همزمان با مغایره خبر آزادی خرمشهر، ادیبو بی بی سی، در بخش انگلیسی خود اعلام کرد صدام از همه کشورهای غربی بی تقاضا کرد سریعاً هر کسکسی را که می توانست در اجلاس قرار بدهد. در همان حال، حیرتگرای آسوشیند پرس از کویته اطلاع داد: نخست وزیر چک شمالی برای مذاکره با نخست وزیر کویته پیرامون آخرین تحولات جنگ عراق علیه ایران وارد کویته شد. همچنین واحد مرکزی خبر به نقل از خبرگزاریها گزارش داد نسخ خلیفه امیرترین دیروز (سه خرداد) همراه وزیران امور خارجه و کشور و ابلاغات آن کشور وارد مسقط پایتخت عمان شد تا درباره حکم عراق علیه ایران و آخرین تحولات منطقه خلیج فارس و بازگرداندن مصر به اتحادیه عرب با شاه قایس پادشاه عمان دیدار کند."

روزنامه جمهوری اسلامی ایران در همین شماره بدقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران گزارش می دهد:

رئیس ستاد ارتش ترکیه وارد جده شد و یک ناوگان نیروی دریایی پاکستان مرکب از شش فروند کشتی (دو ناوشکن و چهار زیر دریایی) امروز بندر کراچی را به مقصد پادشاهی سعودی، امارات ضده عربی قطر و عمان ترک کرد.

سها یک نگاه مختصر به این رویدادها و نقل و انتقالات نشان می دهد که چگونه پیروزی اخیر ایران همچون جویبی که در لانه زنبور فروشود همه دولتهای مرتجع منطقه به تکان و جنب و جوش واداشته است. و چگونه امپریالیسم آمریکا به پرهزای خود را برای توطئه های بازهم تازندری علیه انقلاب ایران سازمان می دهد

پیروزی های اخیر ایران که "تکرانی های" شدید امپریالیسم آمریکا و مرتجعین منطقه را بدنبال اشته، نیروها و کشورهای ضرتی منطقه را عمیقاً خرسند ساخت. کشورهای عضو جبهه پایداری در اجلاس اخیر خود ناردگر قاضیه از انقلاب با دفاع کردند و در بیانیه مهم "اجلاس کمیته سیاسی جبهه پایداری اعلام کردند:

"کمیته سیاسی نایدی می کند انقلاب اسلامی ایران که همیشه حمایت و پشتیبانی خود را از آرمانهای عرب بویژه مساله فلسطین اعلام نموده است یک انقلاب دوست می باشد، و روابط با این انقلاب باید گسترش یابد."

در این بیانیه هم پیمانی استراتژیک امپریالیسم آمریکا و رژیم اسرائیل خطر اصلی برای خلفای عرب منطقه اعلام گردید و تلاشهایی که برای گسرس جنگ تحمیلی رژیم صدام علیه ایران با مشارکت برخی از دولتهای عربی بعمل می آید، خدمت به منافع امپریالیسم و صهیونیسم توصیف شد

در بیانیه اجلاس کمیته سیاسی جبهه پایداری "با توجه به اهمیت عظیم اتحاد و همکاری متقابل نیروها و کشورهای ضد امپریالیست و انقلابی آمده است:

"کمیته سیاسی همچنین از مواضع دوسانه کشورهای سوسیالیست و در مقدمه آنها اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای جنبش غیرمتحد، کشورهای اسلامی و آفریقایی و نام نیروهای دموکراتیک که علیه امپریالیسم و در راه ایجاد یک صلح عادلانه و حق تعیین سرنوشت خلفا مبارزه می کنند قدرانی می نماید.

به این نسبت فتح خرمشهر، بهره دوسان و دشمنان انقلاب را وضوح یازهم بیشتری بحشیده است. بکار دیگر سیر رویدادها اثبات کرد که هر دوست و دشمن انقلاب را تنها مبارزه مشترک با امپریالیسم جهانی سرکردگی آمریکا مشخص می کند و به چیزی دیگر سیر رویدادها بکار دیگر سان داده که رژیم آمریکا ضیالین و کودتاگران ناسوی ترکیه در تنها جبهه ای که به اشاعت "برادری" و "مسئله ای" آنها می شنیدند جبهه امپریالیسم آمریکا و ارجحاع منطقه است.

فتح خرمشهر در زمینه شناخت دوست و دشمن انقلاب نیز حای درس های آموزنده ایست. بکار دیگر باید آموخت که همه کشورهای و نیروهای ضد امپریالیست جهان، دشمن مشترک و آماج های مشترکی دارند که آنها را عمیقاً بهم پیوند می دهد. مبارزه موفقیت آمیز در راه رسدن به این آماج های مشترک در گروی تحکیم هرچه بیشتر همبستگی کشورها و سرافراز ضد امپریالیسم منطقه

همچنین تحکیم همبستگی با جبهه جهانی ضد امپریالیستی است. جای شایسته جمهوری اسلامی ایران در درون جبهه پایداری است. عارضت ایران در این جبهه از نیازهای بسیار جدی انقلاب ماست که باید قاطعانه به آن جامه عمل پوشاند.

پیوستن کشور ما به جبهه پایداری نیاز جدی انقلاب ما و خواست همه کشورهای و نیروهای ضد امپریالیست منطقه است.

- پیرامون دیدار دوسانه هیات بلند پایه لیبیایی از کشور ما -

دیدار یکپنهای هیات بلند پایه لیبیایی به سرپرستی عبدالسلام جلود عضو شورای فرماندهی و نخست وزیر جمهوری عربی مردمی سوسیالیستی لیبی از کشور ما با اعضاء دو پروتکل اقتصادی و فرهنگی و صدور یک بیانیه سیاسی مشترک در تاریخ ۲۸ خرداد ماه پایان یافت. نظری به جهات اصلی گفتگوها و موافقت های هیات لیبیایی و مقامات جمهوری اسلامی ایران نشان می دهد که این دیدار مهم می تواند گامی در راه پیوستن کشور ما به جبهه پایداری و تحکیم اتحاد کشورها و نیروهای ضد امپریالیست منطقه باشد. در بیانیه سیاسی مشترکی که در پایان دیدار هیات بلند پایه کشور دوست لیبی از کشور ما با اعضاء نخست وزیران دو کشور صادر شد و در آن رؤس عمده مذاکرات نشر گردید گفته شد:

"سرگرد جلود ضمن محکوم کردن تحمیلی و تجاوزکارانه رژیم مزدور صدام پشتیبانی خود را از این رژیم (موضع جمهوری اسلامی ایران در قبال تجاوز رژیم صدام) اعلام نمود" متغایراً آقای موسوی نخست وزیر مراتب پشتیبانی خود را از استقلال مردم لیبی در برابر امپریالیسم آمریکا اعلام داشت. در بیانیه "همچنین آمده است: "دولت جمهوری اسلامی ایران با تأیید مبارزات جبهه پایداری در مقابله با امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع و پشتیبانی دولت های عضو جبهه پایداری نسبت به مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال جنگ تحمیلی قدرانی می نماید و جمهوری عربی سوسیالیستی مردمی لیبی نیز اعتقاد خود را مبنی بر اینکه الحاق جمهوری اسلامی ایران به جبهه پایداری باعث تقویت آن شده خاطر نشان ساخت" نخست وزیر لیبی "از مقامات جمهوری اسلامی ایران دعوت کرد که در هر طریقی که مایلند در کنفرانس های آتی جبهه شرکت کنند."

در طول مذاکرات نمایندگان دو دولت دوست و همسگر، جوانب مختلف توطئه های امپریالیسم آمریکا و رژیم تجاوزگر اسرائیل علیه مردم منطقه، بویژه توطئه های امپریالیسم و رژیمهای مرتجع منطقه علیه انقلاب ما، مردم فلسطین و جمهوری عربی مردمی سوسیالیستی لیبی را بررسی کردند و مواضع مشترک دو کشور را در قبال این توطئه ها مورد تأکید قرار دادند. هدفهای اساسی مشترکی که مبنای اتحاد همه کشورهای و نیروهای ضد امپریالیست و مردمی منطقه است، و در رأس همه مبارزه علیه امپریالیسم جنایتکار آمریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل، دشمنان مشترک همه مردم منطقه در بیانیه منعکس شده است.

شناخت هدفهای مشترک و شناخت آن هدفهای اساسی که همه کشورهای ضد امپریالیست و انقلابی در بینه کشور، منطقه و جهان در راه آنها مبارزه می کنند، شرط ضروری اتحاد نیروهای ضد امپریالیست و انقلابی است و تنها بر این پایه می توان اهمیت مبارزه در راه اتحاد این نیروها را، بعنوان آماجی اساسی، مشترک و مقدم تشخیص داد.

انقلاب ماکه هدف عمده توطئه های گسترش یابنده جبهه متحد ضد انقلاب سرکردگی آمریکا در منطقه است، برای پیروزی بر دشمنان و پیشروی در سمت آماجهای خود قبال از هر چیز نیازمند اتحاد نیروهای مدافع انقلاب در کشور و اتحاد با کشورها و نیروهای ضد امپریالیست و انقلابی در منطقه و در جهان است. هر لحظه تأخیر و هرگونه تردیدی در اتحاد با کشورها و نیروهای ضد امپریالیست، هر لحظه تأخیر و پشتیبان و یاور انقلاب ما مستند پیامدهای زیان بار و سنگین خواهد داشت. اکنون پیوستن هرچه سریعتر کشور ما به جبهه پایداری و تحکیم مواضع این جبهه در مقابل امپریالیسم جهانی سرکردگی آمریکا و ارجحاع منطقه نیاز مرم انقلاب ما و خواست مشترک همه کشورهای و نیروهای ضد امپریالیست است.

آقای موسوی نخست وزیر در دیدار با هیات لیبیایی - ۲۲ خرداد ماه - به درستی اظهار داشت: "جبهه مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم به یک نقطه ختم نمی شود و گسترده گی آن به گسترده گی همه جهان است" در این جبهه که "به گسترده گی همه جهان است نیروهای گوناگونی، با هدفها، عقاید، فرهنگها و ویژگی های خاص خود گرد آمده و علیه ضد انقلاب جهانی سرکردگی آمریکا و در راه آماج های مشترک پیگام می کنند. تنها راه اتحاد واقعی با این جبهه جهانی شناخت هدفهای مشترک آن و مینا قراردادن همین هدفهاست. تأیید شدن پیش شرطهایی برای اتحاد که هدف مشترک همه کشورهای و نیروهای ضد امپریالیست باشد. از طرف هر کشور و هر نیروی مطرح شود عملاً بستن راه اتحاد است. همچنانکه امام خمینی گفته اند، دشمن مشترک ما آمریکا و اسرائیل صهیونیستی است. امپریالیسم جهانی سرکردگی آمریکا دشمن مشترک همه مردم جهان است. نبرد با این دشمن مشترک تالوده ایست که اتحاد همه کشورهای ترقیبخواه و انقلابی بران بش می شود. پیوستن کشور ما به جبهه پایداری که مبارزه مردم ما با هزاران رشته به مبارزات آن پیوند خورده است گامی مهم در سمت اشتراک سازی با جبهه جهانی ضد امپریالیستی و برخوردار کردن انقلاب ما از باری برادرانه آن است و متغایراً همانگونه که در بیانیه سیاسی مشترک آمده است به نومه خود "الحاق جمهوری اسلامی ایران به جبهه پایداری باعث تقویت آن می شود. امید که نتایج دیدار هیات لیبیایی از ایران و دیدار هیات های ایرانی از کشور دوست سوریه، راه این "الحاق" را بیش از پیش هموار کند. همچنانکه آقای موسوی نخست وزیر در دیدار با نخست وزیر لیبی اظهار داشت امیدواریم: "این ملاقات بتواند زمینه ای برای همگرایی بیشتر جهت مقابله با آمریکا و صهیونیسم باشد... و مسافرت برادران لیبیایی به کشور انقلابی ایران نتایج مفیدی را در برداشته باشد."

آقای توکلی وزیر کار ، که به گفته مطبوعات کشور برای بررسی مسائل کار و کارگری به شیراز سفر کرده بود ، در اجتماع نمایندگان شوراهای کارگری و انجمن های اسلامی و مدیران کارخانجات شیراز با اشاره به مسائل مطروحه در پنجمین کنگره سراسری شوراهای اسلامی کارگران - که علیرغم دعوت کارگران از شرکت در آن خودداری ورزیده بود گفت :

" شما در سمینار شوراهای اسلامی بنفای لغو ماده ۲۳ را گردید ، این صحیح نیست چون وقتی کار زیاد شد باز کارگر را می کشند "

(کیهان ۳شنبه اول تیرماه)

در پنجمین کنگره سراسری شوراهای اسلامی که در تاریخ ۱۶ خرداد در شیراز برگزار گردید و پس از ۲ روز به کار خود خاتمه داد ، از جمله درخواست لغو ماده ۲۳ بار دیگر مورد تاکید قرار گرفته بود . ماده ۲۳ ، ضدکارگرتترین ماده قانون کسب و کسب آمریکا است که به موجب آن هر کارفرمای سرمایه داری در اخراج خودسراجه کارگران ، قانونا مجاز شناخته می شود .

چندی پیش نیز معاونین وزیر کار ، در دفاع از این ماده ۲۳ ، طی یک مصاحبه تلویزیونی خواست لغو ماده ۲۳ ، را تحریک ضدانقلاب دانستند و اعلام کردند :

" این ماده به هیچوجه علیه کارگران نیست و چنانچه رونق اقتصادی دایمه باشم به نفع کارگران نیز هست "

سیاسی و حسی مخالفت صریح محافل معینی در وزارت کار ، تنها به دفاع از ماده ضدکارگری ۲۳ محدود نمی شود . وزیر کار که دستور انحلال شوراهای کارگری را داده است و عملا طرفدار خط " شورا بی شورا است " در مخالفت با انجمن های صنفی کارگران که در اصل ۲۶ قانون اساسی به مثابه حوز انکار باند سر کارگران و کارکنان رسمیت شناخته شده است ، گفت :

" در تابوسی که پهنه شده بود مساله اتحادیه و سندیکا و کسرسیموم و غیره مطرح شده بود که ما بواسن کار در اسلام مطبق نمی کرد "

(کیهان ۳شنبه اول تیرماه)

باید یادآوری کنیم در اوایل خردادماه جاری ، روابط عمومی وزارت کار با انتشار اذاعه های با سبانه های سیاسی ، سدیگاهای کارگری بافنده سوزنی

و خیاطی و کفافی تهران راستدیکاهایی که " جنبه قانونی ندارد " اعلام کرد به دنبال انتشار این اذاعه ، گروههای بی هویتی که مسلح نیز بودند به دفاتر این سدیگاهها یورش آوردند ، آن را تخریب کردند ، اموال کارگران را بردند و جالب این است که خودسرانه دفاتر مذکور را مهروموم کردند و مسافران تا این زمان ، شکایات کارگران به مقامات ذیصلاح همچنان بدون نتیجه مانده است .

مخالفت با خواست ها و مطالبات برحق کارگران که بنظر می رسد آقای وزیر کار و افراد معینی در وزارت کار مشتاقانه به آن دامن می زنند ، موجی از ناراضی را در میان میلیونها کارگر ، که امام آنان را ستون انقلاب می نامد شکل بخشیده است . بدیهی است نیروهای جبهه متحد ضدانقلاب سعی وافر دارند تا از این موج ناراضی بیشترین بهره را ببرگیرند ، تا مگر به خیال خود مقاومت کارگران را در برابر اخلال در امر تولید درهم بشکنند ، کارگران را که علیرغم فشارهای اقتصادی و سیاسی و صنفی ، جانانه از انقلاب دفاع می کنند و معتقد به استقرار و حفظ نظم انقلابی در کارخانه ها هستند به جمهوری اسلامی بدبین و از انقلاب مایوس سازند .

متأسفانه در این اواخر ، معلوم نیست چرا ، خواست های برحق کارگران در مطبوعات و صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران نیز منعکس نمی شود . خوشبختانه در دیدار اخیر جمعی از نمایندگان کارگران تهران و کرج ، با حجت الاسلام رفسنجانی ، رئیس مجلس اظهار داشت :

" قشر کارگران ، سالمترین و ذیحق ترین افراد جامعه هستند من تصور می کنم اگر مزاحمت عمده ای برای جمهوری اسلامی پیش نیاید و گروههای شیطنانی ما را از مسیر حق منحرف نکنند ، طبقه کارگر از آینده خوبی در ایران برخوردار خواهند بود . . . اکنون کسانی هستند که با روشهای نامشروع و استثمار طبقه کارگر ، ثروت فراوانی را اندوخته اند که در جمهوری اسلامی به حساب آنها رسیدگی خواهد شد "

امروز همه کسانی که در راه انقلاب می رزمند ، نمی توانند نگرانی های خود را از اعمال " گروههای شیطنانی " که درصدد مسموم کردن محیط های کار و کارگری و منحرف کردن کارگران از راستای دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن هستند اظهار نکنند . ما امیدواریم که همه مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران نسبت به وضع محیط های کارگری توجه جدی مبذول دارند تا به مطالبات و خواست های برحق کارگران پاسخی شایسته و درخور انقلاب داده شود و بیش از این حقوق قانونی کارگران لگدمال نگردد .

پس از مدت‌ها انتظار، سرانجام گام دیگری در عرصه بازگشایی دانشگاهها برداشته شد و کار ثبت نام گروهی از دانشجویان آغاز گردید. دانشجویانی که با تحمل دو سال سرگردانی و مواجه با دهها مشکلی که از تعطیل دانشگاهها عایدشان شده بود، امیدوار به ادامه تحصیل و فراگیری آزادانه علوم برای ثبت نام، روانه دانشگاهها شدند. اما یک "پرسشنامه" چند صفحه‌ای که در برابر آنان قرار داده شد، حیرت و نگرانی تازه‌ای را برانگیخت. پرسشنامه‌ای که به تصدیق تمامی کسانی که آنرا دیده‌اند، تفتیش عقایدی است آشکار، خشن و ناسف‌انگیز. مسئولین امور ناکنون هیچگونه توضیحی در این مورد ندادند که به چه دلیل و به استناد کدام قانون و ضرورت، دانشجویان موفقتند تا جزئی‌ترین مسایل زندگی سیاسی - اجتماعی - خانوادگی و خصوصی خود را بر صفحات این پرسشنامه‌ها ردیف کنند، و پس از آن نیز بنام "مباحثه" از آنان بازجویی بعمل آید.

تفتیش عقاید دانشجویان بهنگام ثبت نام، ادامه همان خطی است که مدت‌ها در برابر بازگشایی دانشگاهها مقاومت ورزید و پس از اینکه در برابر رهنمودهای فاطم و روشن امام خمینی عقب نشست، در چهاره‌ای دیگر، اینبار هم خود را مصروف جلوگیری از ورود طیف وسیعی از دانشجویان به دانشگاهها کرده است. در این عرصه نیز شاهد ردیابی روی "خط‌ها" هستیم. از یکسو نظرات و دستورات صریح عادلانه امام خمینی و مسئولین بلندپایه جمهوری اسلامی و از سوی دیگر افرادی ظاهراً "موافق ولی باطناً" مخالف که در حکومت و جنب آن وار جمله ستاد انقلاب فرهنگی رخنه کرده‌اند و عملاً در راه اجرای این دستورات سنگمی اندازند. براین اساس در برابر این سوال که چه کسانی صلاحیت تحصیل در دانشگاههای کشور را دارند، دو پاسخ کاملاً متفاوت می‌توان یافت: امام خمینی که می‌گوید:

اشخاصی که افسادی نکرده بودند، لکن مثلاً "یک‌خلاقی کرده بودند، چه دختر و چه پسرها و حالا پشیمان شده‌اند، اینها را با آغوش باز بپذیریم... این جوانها را مایوس نکنید، این جوانها ذخیره این ملت هستند.

آیت‌الله منتظری که می‌گوید:

"همین قدر که ایمانید علوم وطن دوست، خدمتکار به مردم و متخصص باشند و ضمن برخورداری از شایستگی تدریس، معاندنی با نظام جمهوری اسلامی نداشته و مجاهر به فسق نباشند، کافی است. و دکتر نجفی وزیر آموزش عالی که می‌گوید:

"دانشجویانی که لااقل پس از فراغت از تحصیل در خدمت کشور حاضر باشند عمل بکنند و عناد با نظام جمهوری اسلامی ایران نداشته باشند می‌توانند به تحصیل ادامه دهند.

و در طرف مقابل، مسئولانی که - رسماً - نیز حاضر به معرفی خود نشده‌اند - و آن پرسشنامه کذایی را تهیه کرده‌اند. دانشجویان را به جرم هواداری از حزب بوده ایران و فدائیان خلق (اکثریت) اخراج می‌کنند و حتی در حین ثبت نام گروهی را در شیراز و تبریز و... دستگیر می‌کنند و...

بدون اغراق هزاران دانشجو پس از مشاهده "این پرسشنامه" نسبت به ادامه تحصیل و آینده زندگی خود دچار یاس و دل‌سردی شده‌اند و آیا این است پاسخ به رهنمود امام که "این جوانها را مایوس نکنید، این جوانها ذخیره این ملت هستند"؟! آیا خطاب به امثال تهیه‌کنندگان چنین پرسشنامه‌ای

سود که امام گفتند: "ارقراری که بعضی از آقایان گفتند، ربا د آبراد می‌گیرند؟" مایوس کردن جوانان، ناراضی ساختن آنان از اقدامات مخربی است که در سطح دانشگاهها صورت می‌گیرد. ضدیت با قانون اساسی که تحت‌الاسلام هاشمی رفعت‌جانی آنرا مهم‌ترین سند جمهوری اسلامی دانسته، جنبه دیگری از

آن سیاست مخربی است که محافل در دانشگاهها اجرا می‌کنند. اصل بیست و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی می‌گوید: "تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان بصرف داشتن عقیده‌ای مورد مواخذه قرار داد. و تعدادی از دست‌اندرکاران دانشگاهها درست علیه قانون اساسی عمل کرده‌اند و جالب آنکه دانشجویان را تهدید کرده‌اند که در صورت تن ندادن به این عمل ضد قانونی با آنان "مطابق قانون" رفتار خواهند نمود! اگر این تمسخر قانون

نیست، پس چیست؟

محروم کردن انقلاب از نیروهای متخصص، تیزهراکین دیگری است که این دستهای پشیمانه بر بیکر جمهوری اسلامی می‌نشانند. در این عرصه نیز رهنمودهای هواداران خط امام مشخص است. کافی است به این سخنان نخست‌وزیر توجه کنیم که:

"اگر ما با آنها (متخصصین) بطور مطلوبی روبرو شویم، آنها قادر خواهند

بود برای استقلال کشور تلاش نمایند. پس نیروهای مذهبی و اسلامی که
 نقاط کلیدی در دستشان است باید این را درک کنند و از آنها کار بخواهند
 و در مقابل به آنها منزلتی ببخشند.

بارها آیت الله العظمی منتظری و رئیس جمهور خاصه‌ای نیز توصیه موجد
 کرده‌اند که باید با متخصصینی که حاضرند صمیمانه خدمت کنند، یاگشاده‌رویی
 برخورد کرد و از کار آنها به نفع انقلاب و رشد کشور بهره‌برداری نمود.

آری! مسأله به دانشگاهها محدود نمی‌شود. برخورد دوخط است که در تمامی
 مسایل انقلاب به رویارویی ایستاده. آیا باید جوانها را ماهوس کرد یا نه؟
 آیا باید ناراضی‌تراشی کرد و یا کوشش نمود تا بیشترین نیروها حول جمهوری
 اسلامی گرد آیند؟ آیا باید نفاق افکنی نمود، جوگینه و دشمنی و دروغ را دامن
 زد یا در جهت دوستی و اتحاد همه نیروهای متعهد به انقلاب کوشید؟ آیا
 باید قانون اساسی جمهوری اسلامی را محترم شمرد و بر طبق آن عمل کرد، یا
 آنرا خودسرانه زیر پا نهاد؟ آیا باید متخصصین را بکار گرفت و بکمک آنها
 پایه‌های اقتصاد مستقل و شکوفا را بنا نمود یا آنها را راند و آینده اقتصادی
 مملکت را با مخاطرات بسیار روبرو ساخت... دستهایی هستند که در پاسخ
 به تمامی این مسایل - که با سرنوشت انقلاب گره خورده‌اند - مخالف خط
 امام، ضد قانون و علیه جمهوری اسلامی عمل می‌کنند.

تفتیش عقاید در دانشگاهها بهنگام ثبت‌نام و اخراج خودسرانه دانشجویان
 و نیز رد و طرد متخصصینی که صمیمانه حاضر به کار و خدمتند نقض آشکار اصول
 قانون اساسی و مخالفت عملی با خط امام است. هر رهبران جمهوری است که
 مجدداً متر و قاطع‌تره از این شوه عمل ناراضی‌تراشی و مغرب‌جلوگیری بعمل
 آورند.

فروزان باد خاطره شهیدان سازمان

بر لوح افتخار شهیدای سازمان ما ، با زحم نامهای تازه‌ای نقش بست . پنج تن دیگر از رفقا در راه دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن به کاروان عظیم شهیدان انقلاب پیوستند :

• رفیق شهید بشیر کامرانی • رفیق شهید خسرو شبانی • رفیق شهید رضا تیموری • رفیق شهید مجید شجاعیه انارکی • رفیق شهید شاهرخ اختیاری ... در راه دفاع از میهن انقلابی و دفع تجاوز امریکایی رژیم صدام قهرمانانه به شهادت رسیدند و سنگرهای مقاومت در برابر تجاوزگران را از

خون خود لاله کون ساختند.

رفیق شهید بشیر گهرانی آموزگار بود. او داوطلبانه در مناطق دور افتاده فارس و برای مردم محروم خدمت می کرد و شاگردانش بخاطر دارند که وی بدانان می آموخت که: "تمام بدبختی های ما از امریکا است." ایشان و فدائواری های بشیر در جبهه های نبرد علیه تجاوزگران، عالیترین نمونه های مبین دوستی انقلابی و ایثار جان برای حفظ انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی بدست می دهد. او داوطلبانه مسئولیت ساختن مواضعی در نزدیکی دشمن تجاوزگر را برعهده گرفت که پس از شهادت دلیرانه اش بیاد فدائواری ها و از جان گذشتگی هایش "پایگاه بشیر" نامگذاری شد.

شهادت بشیر، بهنگام عملیات مین گذاری در ۲۳ دیماه ۶۰ اتفاق افتاد. یکی از همزمانش می نویسد:

... از دور یکی از افرادی که قبلاً همراه بشیر بود مرتب فریاد می زد، برانگارد بیاورید، نزدیک که شدم، دیدم دو دست بشیر قطع شده، صورتش آسیب دیده و چشماش را از دست داده است... از او حالش را پرسیدم با صدایی قوی گفت: "خوبم، در راه انقلاب فدائواری ها باید کرد." در مقابل این همه قدرت روحی و استقامت انقلابی، بخش گلویم را گرفت و انگ از دیدگانم جاری شد. بشیر، سبیل یک رزمنده مقاوم و فدائواری بود، افراد سپاه و بسیجی و مسئولان آن جبهه برای او احترام خاصی قائل بودند. بشیر معلم انقلابی گهرمانی بود که با توطئه خوانین منطقه و تنگ نظری دوسان ناگاه انقلاب مورد "تصفیه" و "پاکسازی" قرار گرفته بود.

رفیق شهید خسرو شیبانی، رزمنده فدائواری جبهه های "تنگ چرابه"، "نسیان" "شوق" و "خرمشهر" در سال ۱۳۳۷ در یک خانواده زحمتکش متولد شد. روز تولد او صادف بود با شهادت خسرو روزبه، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و قهرمان ملی ایران. و پدر به پاس دلاوری ها و قهرمانی های روزبه در راه استقلال، آزادی و تأمین عدالت اجتماعی برای مردم محروم و زحمتکش، نام فرزندش را خسرو نهاد.

رفیق خسرو شیبانی کارگر لوله کش بود و با واقعیت دردناک و سراسر رنج زندگی مردم محروم پیوندی عمیق داشت. او با شوری وصفناپذیر در سنگر سازمان از انقلاب و دستاوردهای آن دفاع می کرد. و سرانجام در این راه مقدس، پس از ابراز فدائواری های بزرگ در مراحل دوم و سوم عملیات "بیت المقدس" در جاده خرمشهر - اهواز، در ۵ خرداد ۶۱، بهنگام یک مأموریت جنگی به شهادت رسید.

خبر شهادت خسرو قهرمان سراسر جبهه را درنوردید و تمامی همزمانش را که شاهد شجاعانها و فدائواری های او در جبهه های "تنگ چرابه"، "نسیان"، "شوق" و "خرمشهر" بودند در اندوه فروبرد.

در یادداشتها و وصیت نامه رفیق شهید خسرو شیبانی آمده است: "ما باید همه تلاش و کوشش خود را برای حفظ دستاوردهای انقلاب و تحکیم صفوف متحد نیروهای خلق بکار ببریم. بر دیدی نباید داشته باشیم که شرط

پیروزی مملتی و سیاسی انقلاب، اتحاد همه نیروها و احزاب مردمی در جبهه متحد خلق به رهبری امام حسی است.

... آری امپریالیسم جهانی کار آمریکا دشمن شماره یک تمامی زحمتکشان سراسر جهان است، از این دشمن غدار یک لحظه نباید غافل شد."

رفیق شهید رضاشاه کهنپوری، که در پست امداد در بخش بهداشت علیه تجاوز امریکایی رژیم صدام می رزمید در اردیبهشت ماه ۶۱، بهنگام مذاواری یک محروم جنگی، هدف گلوله های دشمن قرار گرفت و پس از ۱۶ روز به شهادت رسید. رضا در واپسین لحظات حیات انقلابی خود در حالیکه فریاد "مرگ بر آمریکا" و "دوروز بر سازمان فداشای خلق ایران (اکثریت)" را بر لب داشت به کاروان شهیدان پیوست. پیگر گلگون رضا در اراک، آنچنان که شایسته مبین دوست انقلابی ماست اوست بر شانه های اسوار مردم تشییع شد. پیگر بخون حقیقت او در جوش مردم که فریاد می زدند این کُلی پرپر ماست، غمگینی رهبر ماست "به خاک سپرده شد."

در وصیت نامه ای که از او برجامانده است نوشته شده است:

"من در میدان های جنگ با گوشت و پوست خود لمس کرده ام که تنها راه نجات بر تپولای سرمایه و جنگ، اتحاد همه نیروهای خلق است. تنها اتحاد همه نیروهای خلق، دفاع از ار ثبات در نظرات ایدئولوژیک و مسلکی است که می تواند پیروزی آبرین باشد... زندگی، آزادی، زندگی را بسیار دوست می دارم... اینجا نیز مانده بسیار غمناکی است. و هر لحظه امکان گشته شدن وجود دارد. اما با تمام اینها وقتی به فردای آزادی زحمتکشان و رهایی آنها از قید استثمار و ستم امپریالیسم فکر می کنم، بدون ذره ای تردید، جان باحقن در راه انقلاب و دفاع از استقلال و تمامیت ارضی مبین را افشخاری برای خودم می دانم."

رفیق شهید مجید شجاعه انارکی، با شروع جنگ تحمیلی و تجاوزکارانه صدام - آمریکایی به خط مقدم جبهه های نبرد شناخت، یکبار در ناحیه موسکرد در اثر ترکش خمپاره به سختی مجروح شد، اما به محض اندک بهبودی دوباره به خط مقدم جبهه بازگشت، سرانجام در ۱۶ اردیبهشت ۶۱، پس از ۲۵ ماه مبارزه بی امان علیه تجاوزگران در جبهه خونین شهر، پیگر پاکش با گلوله سوارزان صدامی از هم دریده شد و ساعتی بعد، رفیق مجید با فریاد "مرگ بر آمریکا" جان خویش را نثار انقلاب آرمانش کرد و به عدل شهدای انقلاب پیوست.

مردم زحمتکش و کارگران مملکت، پیگر او را با کوه هزاران تشییع کردند. بهنگام تشییع پیگر همه در مقابل مشکوک و عناصر ضدانقلابی منسوب به انجمن خجسته که در شهادت های انقلابی سیرا را می نمودند تلاش کردند با ارجح شاداری ضدانقلابی علیه مردم را به امپریالیسم آمریکا و متحدان آن بود. خانه سازمان ما و حزب توده ایران سرنگ شدند و به این وسیله امریکایی جاپیگ را از زیر صحنه خارج سازند که در اثر مأموریت مردم با رسوایی شکست روبرو شدند.

... در این شهر شاهدیم که در دهان آنها تجاوز امریکایی رژیم صدام به جبهه های نبرد شناخته بود، عناصر رژیم آینه مدت محذمتش به پایان رسیده بود، داوطلبانه در مرحله اول عملیات "بیت المقدس" شرکت کرد و در این نبرد بود که در اثناء فتح خرمشهر، هدف رگبارهای دشمن قرار گرفت و با قهرمانی به شهادت رسید. همزمان سازمان و توده های شاه بخاطر می آورد که او در "بیت المقدس" دشمن در سال ۶۱ با فریاد "مرگ بر آمریکا" می خروشد، چهره برخاک کشم خورده ای کشیدد راه به خور شد...
... هوا، ایران سازمان و حزب توده ایران در "گردد" در تعامل از خاطره این

رفیق قهرمان ایلامی به خانواده شاهرخ ارسال داشتند که در آن آمده است:
رفیق شاهرخ، جان شیرین خویش را به قصد بازگرداندن پاره تن ایران و
پاسداری از دستاوردهای انقلاب گذا کرد. خون سرخ و گرم وی پرچمی شد
سرافراز و سربلند بر فراز مرزهای به قصد برهمنده بهمنان، پادرفیق را گرامی
داشته و به روان پاک او و تمامی شهدای راه آزادی و انقلاب درود می فرستیم.

دوستان و رفقای عزیز!

کاروان شهیدان سازمان، به نیروی پایبندی استوار فدائیان خلق به انقلاب
ضد امپریالیستی و مردمی برای تحکیم و کسب پیروزی نهایی آن پاره حبابه
آخرین خود را همچنان می بیناید. زمانیکه این بولتن بدست شما می رسد با A
تیر. سالروز شهادت حمید اشرف و همزمانش، روز شهدای سازمان سعادت
است. این روز برای همه فدائیان خلق، ایلام بخش ایلام تا به آخر پیسه
آرامشهای سازمان و انجام فداکاریهای بزرگ در راه عملی ساختن آنست.
لرح شهدای سازمان اکنون با نام ۲۵۰ شهید فدایی آذین یافته است که
۱۰۶ تن از آنان در راه دفاع عادلانه از میهن انقلابی و دفع تجاوز امپریالیستی
 رژیم صدام به شهادت رسیده اند. این حجت روشنی است بر حقیقت تابناک
نقش انقلابی، شایسته و بزرگی که سازمان ما طی ۱۲ سال حیات انقلابی
خود، در مبارزه علیه رژیم امپریالیستی شاه، پیروزی انقلاب و حفظ دستاوردهای
آن داشته است.

بخاطر آوریم این کلام درخشنده را که "در راه وحدت" رقم زدیم:
"از بارزترین ویژگی های نابریخ سازمان ما آن است که در عرصه مبارزات انقلابی
... یاران ما همچنان در برابر دشمنان متحد ... تسلیم نشدند و به آرمان
والای خویش و به بهمان هویت با خلق زخمکش و نادار ماندند. این
ایستادگی و تسلیم ناپذیری به استقامت دایراند در برابر سرکوب دشمن
محدود نبود، سازمان ما در همین حال در این بازدهی عالی که از عمر آن
می گذرد پایه باری رشد خوب غنیه جویان این است که بعد به قهقرا نشستن آنها
داشتند، و با مانع نکامال و بیوایی آن بردانند، نیز ناظرانه ایستاده
است و با عدالت انقلابی از حیثیت و مزیت دفاع کرده است. مقام امروز
سازمان را معجزه دل این دو ایستادگی است.

رفقا و دوستان عزیز!

در حوزه ها، به احترام خیل شهیدان سازمان و همه بخون خاشاکان مسلمان
خدا ما می با روزندگان توده های که در راه حفظ انقلاب و میهن انقلابی، در راه
استقلال آزادی و عدالت اجتماعی رو می دهاند و به کاروان عظیم شهیدان
انقلاب پیوسته اند بیباک خیزیم، مشت ها را درفش کنیم باز خاطر نریسیم مرگ را برامریکا،
از آنان به ما بزرگ، ایستادگی در برابر دشمنان ... و، جنبه متحد صد انقلاب به
سرگردگی دشمنان بزرگ، امپریالیستی جنایتکار را، از آنان به ما بزرگ ایستادگی را در

برابر هر آنچه می که مانع تکامل و بیوایی است از آنان به ما بزرگ که با عدالت
انقلابی از حقیقت و مردم و از خط ضد امپریالیستی و مردمی امام دفاع کنیم و
در این راه از مبارز و فداکاری در پیج نوروزیم تا انسانیتی شایسته مقام یک مارکسیست
... کمینست اصل باشیم، در شکوت احترام امپریالیستی دشمنی هوشی هر چه شایسته تر
به چنین مقامی، با همه شهیدان راه مبارزه و انقلاب بیمانی دوباره بنهیم.

دومین اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد بحاضر صلح سلاح
کوششی بزرگ در راه حفظ صلح جهانی

دومین اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در باره صلح سلاح هم
اکنون در نیویورک در جریان است. این اجلاس از تاریخ ۱۷ خرداد ۱۳۴۱ (۱۹۸۲) آغاز
شده است و تا تاریخ ۱۸ خرداد ۱۳۴۱ (۱۹۸۲) ادامه خواهد داشت.

شکل دومین اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد بحاضر صلح
سلاح یکی از مواد اصلی مورد توافق عموم کنستانتیناجل اجلاس بیست و دوم
مجمع است که در اکتوبر ماه سال ۱۳۵۷ (ماه مه ۱۹۷۸) شکل گرفت.
در اولین "اجلاس ویژه صلح سلاح" مابین کانگرس و کنگره در نیویورک
مناقشه تسلیماتی و منع تولید انواع سلاحهای هسته‌ای و کتار جمعی باکی
کردند. در آن اجلاس تاکید بر ایجاد شوروی پیشنهادهای مشخص مهمی ارائه
کرد و اعلام داشت اتحاد شوروی معهد می‌شود "سلاحهای هسته‌ای را
هیچوقت علیه کشورهای که به تولید آن مشغول نیستند و یا درصدد کتیب و
بعضیل این نوع سلاحها نیستند، و آنها را در مناطقی خود نگهداری نمی‌کنند"
نگار بگیرد. اتحاد شوروی از دیگر کشورهای دارای سلاحهای هسته‌ای خواست که
آنها سر چنین معهدی را بپذیرند. عایدند اتحاد شوروی از حالت دولت
خود همچین پیشنهاد کرد که موافقتنامه‌ای بین‌المللی با "هدف پایان
بخشیدن به تولید انواع سلاحهای هسته‌ای و در مراحل بعد، نحو کامل انبازهای
این سلاحها" به امضا برسد. این پیشنهاد مورد موافق ماسدگان همه دول
صلح دوست قرار گرفت و مقرر شد که "کمیته صلح ریز" اقدامات لازم را
حیت به مرحله اجرا درآوردن آن پیشنهاد انجام دهد.

مناقشه علیرغم تمام کوششهایی که ملل جهان و دولتهای مرفی و اعلیایی
و صلح طلب و در رأس آنها اتحاد شوروی بعمل آورده‌اند تا این موافقت نامه به
مرحله اجرا گذاشته شود. بدلیل کارکنی امپریالیستی و در رأس همه آمریکا
بانکون به نسیا موفقی در این زمینه دست نیامده است بلکه گامهای بسیار
خطرناکی از سوی دولت آمریکا در جهت طراحی و تولید انواع سلاحهای هسته‌ای
کتار جمعی برداشته شده است. تصمیم دولت آمریکا در مورد تولید هسته
و روسی - این سلاح جمعی اساساً - نمونه باز از اقدامات است که با
تمام مفاد نظامها و خصوصیتنامه‌های سازمان ملل متحد و با خواست عمومی
ملت بزمی خواه و صلح طلب جهان مغایرت آشکار دارد.

اکنون دومین اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در شرایطی بکار
شود ادامه می‌دهد که کوشش دائمی در زمینه تسلیحاتی توسط امپریالیستها و
شدید سانسهای تجاوزگرازه و ماحراجوانه امپریالیسم آمریکا صلح جهانی را
خطر جدی به خطر انداخته است.

جریان سرگزاری دومین اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد
بحاضر صلح سلاح، دو برجورث کاملاً متضاد است به امر حیاتی صلح جهانی
و بستر از هر زمان رخ نموده است.

در کشور، کشورهای سوسیالیستی و همه کشورهای ضد امپریالیسم و مرفی و
صلح دوست قرار دارد که با برجورثی بسیار جدی و مسئولانه به امر صلح، از
طریق ارائه پیشنهادها و رهنمودهای مشخص و عملی برای جلوگیری از مشابه
تسلیماتی، منع کامل استفاده از سلاحهای کتار جمعی جهت هموار کردن راه
سوی صلح عمومی گوتیده و می‌گویند تا حنر جنگ جهانی سترور را
بطور مطلق مرتفع سازند. کوششهای متکرره اتحاد شوروی در این زمینه نفس
معمین کنده دارد. آندره گرومکو پیشنهادهای فاطع و مهم اتحاد شوروی را
برای مهار کردن و قطع مشابه تسلیماتی، نابودی تدریجی و نحو کامل تمامی
انواع سلاحهای هسته‌ای و شیمیایی و مکرری و دیگر سلاحهای کتار جمعی
پاک کردن اروپا از سلاحهای هسته‌ای ممان برد، تبدیل آقیانوس هند به منطقه
صلح کاهش سطح کروی سروهای صلح و تسلیمات معنوی و حیسن بخشی
از همه‌های تسلیماتی برای کمک به آسایشی و واری کشورهای عقب‌مانده
و اجلاس ویژه مجمع عمومی سازمان ملل متحد بحاضر صلح سلاح ادامه می‌دهد.
تمام مهم لئونید برزف رهبر شوروی به این اجلاس باکی است که "اتحاد
شوروی معهد می‌شود در بازار بزرگ سلاحهای هسته‌ای پیشنهادی بکند. در این
بسام به دیگر کشورهای صلح به سلاح هسته‌ای پیشنهاد ندهد است که آنها سر
حسین معهدی را اعلام دارند تا در سن و سله مانعی سر راه بروز جنگ هسته‌ای
اتحاد گردد. در این بسام همچین گفته شد که باید تمام اقدامات لازم را
بعمل آورد تا اینکه در روی زمین جهانی برای صلح نیمنایی بیابند" و ناگفته
که اتحاد شوروی آماده است بدون درنگ "برای منع و تحریم کامل صلح
شیمیایی و نابود کردن تمام ذخایر آن به توافق برسد.

آقای ولادیسلاو ویرامورخارچه ایران سر طلی ملل معطلی در اجلاس صلح
سلاح سازمان ملل، جوانی از مجمع جمهوری اسلامی ایران را در حال امر حیاتی
صلح سلاح و صلح موصیح داد. آقای ولادیسلاو گفت:

این برای دومین بار است که بعد از جنگ جهانی دوم یک جنبش
گردهمایی عظیمی در چهارچوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد برگزار
می‌شود تا برای یک امر حیاتی بسیار مهم که با سربوش فرید - فرد انسانها
و تمامی جامعه بشری رابطه بیگاسک دارد مبادل نظر کند.

آقای ولادیسلاو در حای دیگری از سخنانش گفت:
"با برگزاری نظام صلح و امنیت بین‌المللی راه برای صلح جهانی
هموار خواهد شد و بالعکس یا صلح سلاح جهانی، صلح و امنیت بین‌المللی
به جهان باز خواهد گشت.

آقای ولادیسلاو در سخن مهمی از سخنان خود اعلام کرد:
"ما از ایجاد مناطق صلح در جهان و به ویژه در آقیانوس هند و همچنین از
اعلام آقیانوس هند بعنوان منطقه صلح حمایت و از تلاشهایی که در جهت
بضمین صلح و امنیت در منطقه صورت گیرد پشتیبانی می‌کنیم و خواستار
برچیده شدن کلیه پایگاههای نظامی خارجی و نحو حضور نظامی و رفایست
فدرتهای خارجی از مناطق مختلف جهان، به ویژه آقیانوس هند و خلیج
فارس هستیم.

و در سوی دیگر ماسدگان امپریالیستها و در رأس آنها آمریکا جبهه حقیقی
خود را نشان دادند و در برابر خواست کشورهای ایتالیایی و صلح دوست جهان
که همگی خواهان اتحاد شایر موری برای پایان دادن به مشابه تسلیماتی و
رفع خطر جنگ هسته‌ای، ضمن تازی با کلمات و عطلات صلح خواهانه کماکان با
پیشنهادهای سازنده در مورد کاهش صلح جهانی از آن مخالفت درآوردند و
سر موافق جنگمویانند و صدبندی خود اصرار ورزیدند. روالد ریگان، رئیس

جمهور فاسست آمریکا در محررای خود در اجلاس ویژه سازمان ملل متحد، همه کشورهای تازه گسورهای صلح دوست و همه عروشهای صلح خواهانه مللای جهان را آندده گرفت و اسکا آنا دشنام به کشورهای سوسیالیستی و صامیرالیستی بر ساسد. جنگ طلا و برنج برین جنابهای سرمایه داری جهانوار آمریکا مبرر شده گذاشت. بعد اتحاد سووی به عدم پیوستگی در گام صلح جهانی و بعد مللای جهان به امیرالیستی برای پذیرش چنین عهد بود که باقی در برین روز حفظ جنگ جهانی اتحاد می کند، پیش از هر چه امیرالیسم آمریکا را ختم آورده و برین دست قرار داده است.

اتحاد امیرالیستی و برین اس همه آمریکا از قبول عهد عدم پیوستگی در اسفاده از سلاح هسته ای در برین برین و سرمایه برین سنگی سبب پلید آنها را اسکا می سازد و صلحیات میان سبی آن را عس برآت می کند.

ساست جنگ افروزانه و ماجر احوال امیرالیسم آمریکا کشورهای گرسرا پذیر نهاد میان کشورهای امیرالیستی و بعد امیرالیستی با کشورهای ربر صلح و واسعه را سدید می کند. همچا که در این اجلاس ویژه سازمان ملل متحد موافق شده است، با هم کشورهای سسری با ساسهای جنگ افروزانه آمریکا به مخالفت برمی خیزد. بدون یک دفاع قاطع کشورهای صلح دوست از پیشنهادهای عملی و بارنده در مورد جلوگیری از مسافه نسلجانی و دفاع از صلح جهانی و اتحاد هر چه مستحکمتر آنها در برابر سیاستهای جنگ طلبانه امیرالیسم می تواند عس این اجلاس ویژه سازمان ملل متحد را در راه حفظ صلح جهانی موزر گذاشت. کشور ما سر به سوه خود می تواند و باید براساس یک سیاست واقع بینانه در منای شخصیت معض حقیقی مسافه نسلجانی، سهم بیشتری در راه صلح مسافه نسلجانی و حفظ صلح جهانی بر عهده گیرد.

حمله خونین و خیره سرانه رژیم فاشیست اسرائیل به جنوب لبنان همچنان ادامه دارد. در جریان این تجاوز که در چارچوب نقشه عمومی امپریالیسم جهانی سرکردگی آمریکا علیه همه مردم منطقه اجرا می شود تاکنون دهها هزار نفر کشته و زخمی و بیش از ۸۰۰ هزار نفر آواره و بی خانمان شده اند! آخرین اطلاعات حاکی از آن است که رژیم صهیونیستی بمب های خوشه ای را نیز وارد میدان کرده و برای خرد کردن اراده خردناشدنی مردم لبنان و فلسطین، در نبردهای اخیر سلاح شیمیایی و گاز فلج کننده اعصاب بکار برده که در نتیجه تلفات انسانی عظیمی بهار آمده است. ما در یولتن ۳۱ خرداد ماه انگیزه این تجاوز و هدف های مستقیم و غیرمستقیم آن را بررسی کردیم. در اینجا بار دیگر بازتاب این تجاوز مشترک امریکایی - صهیونیستی را در میان نیروهای امپریالیستی و ضد امپریالیستی جهان مورد توجه قرار می دهیم تا ما و نقش انقلاب خودمان را در این جبهه نبردی که به گفته آقای موسوی نخست وزیر "گسزدگی آن به گسزدگی همه جهان است" بهتر بشناسیم. یورش رژیم فاشیستی اسرائیل به مردم فلسطین و لبنان "اجرای جزئی از نقشه امپریالیسم برای شکستن مجموع جنبش رهایی بخش پیروزمند منطقه است". امپریالیسم خونخوار آمریکا سرکرده تحولات جهانی، سودمدار اصلی این نوظئه است. این حقیقت آشکارتر از آن است که امپریالیسم آمریکا و با رژیم تجاوزگر اسرائیل در صدد پنهان کردن آن باشند. نقشه این تجاوز از قبل توسط حاکمان آمریکا و اسرائیل مشترکا طراحی شده است. در جریان این تجاوز ددمنشانه، حاکمان آمریکا همه امکانات خود را برای هموار کردن راه این تجاوز که بدست رژیم صهیونیستی اسرائیل صورت می گیرد بکار انداخته اند. وتوی قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد که حمله اسرائیل به جنوب لبنان را محکوم می کرد و حواسناز عقب نشینی نیروهای آن بود نمونه بارز همدستی امپریالیسم آمریکا و رژیم اسرائیل است. مقامات دولتی آمریکا مکررا تصمیم "قاطع" دولت خود را در زمینه تامین تسلیحات و دیگر نیازهای رژیم صهیونیستی اسرائیل اعلام کرده اند. رژیم های مرتجع منطقه نیز اگرچه از یورش مردم جرحه اعلام موضع صریح به سود متجاوزان ندارند و حتی برخی از آنها تجاوز اسرائیل را محکوم کردند، لیکن چون زیر سلطه آمریکا هستند عملا با "بی تفاوتی" آب به آسیاب متجاوز می ریزند. ناپدید کردن جنبش رهایی بخش مردم فلسطین که کابوسی همیشگی این رژیم های سرسپرده است روی کار آوردن یک رژیم ارتجاعی در لبنان که از روی همگی آنهاست، تحمیل طرح گمراه کننده که مورد پشتیبانی جمعی آنهاست و ضرب خوردن به کل جنبش های رهایی بخش منطقه به ویژه انقلاب ایران که هدف مشترک تمام آنهاست، تاج های هستند که این تجاوز امریکایی - صهیونیستی تعقیب می کند. نوظئه خونین و عربان رژیم اسرائیل علیه مردم لبنان و فلسطین که بلافاصله صف آرای عربان نیروهای امپریالیستی را در حمایت از این نوظئه به نمایش گذاشت، بیدرنگ با صف آرای یکپارچه و شکوهمند جبهه جهانی ضد امپریالیستی مواجه شد. اگر در صف نیروهای امپریالیستی خیالی ها با سکوت از تجاوزگر حمایت می کنند، در صف نیروهای ضد امپریالیستی همه برخوردش به حمایت از مردم لبنان و فلسطین ایستاده اند، نیروهای سوریه بیدرنگ دوستانوش نیروهای لبنانی و فلسطینی با تجاوزگران روبرو شدند. کشورهای عضو جبهه پایداری حمایت قاطع خود را از فلسطین و لبنان بیدرنگ اعلام کردند. ایران انقلابی در حالیکه خود درگیر نبردی سخت با نیروهای تجاوزگر صدام امریکایی است بلافاصله به حمایت از جنبش مقاومت فلسطین و جنبش ملی لبنان برخاست. اتحاد نیروی با صدور اعلامیه ای شدیدالحن حمله رژیم اسرائیل به جنوب لبنان را بسختی محکوم کرد و حواسناز خروج فوری نیروهای تجاوزگر از خاک لبنان شد. در اعلامیه اتحاد شوروی صریح شد:

آسهایی که سیاست اسرائیل را تعیین می کنند نباید فراموش کنند که تجاوز بزرگ ناهیه ای است که در چهارپایه مرزهای جنوبی اتحاد شوروی واقع است و رویدادهای آن نمی تواند با منافع امنیتی اتحاد شوروی برخورد نداشته باشند. ما به اسرائیل در این باره هشدار می دهیم.

همچنین معاون فرماندهی کل نیروهای هوایی شوروی در رابطه با حوادث لبنان به سوریه زمت: فیدل کاسترو رهبر کوبای انقلابی در پیامی به حافظ اسد رئیس جمهور سوریه ضمن محکوم کردن شدید تجاوز رژیم صهیونیستی اسرائیل حمایت قاطع کشور خود را از مبارزات حق طلبانه کشور سوریه و خلق فلسطین اعلام کرد. گیم ایل سوئگ رهبر جمهوری دموکراتیک خلق کره در تلگرافی برای ماس فرات، نمایان تجاوزکار اسرائیل را به عنوان اقدامی که از پیش تدارک شده و هدفش سرنگ کردن امر عادلانه خلق عرب فلسطین است محکوم کرد. همه کشورهای سوسیالیستی بدون استثنا این تجاوز امپریالیستی را محکوم کردند. همه احزاب کمونیست جهان و از جمله بیست حزب کمونیست و کارگری در اروپا تجاوز امریکایی - اسرائیلی به لبنان را شدیداً محکوم کردند. براساس پیشساز خود را از مبارزات حق طلبانه مردم فلسطین و لبنان اعلام داشتند و حواسناز خروج بی قید و شرط و فوری تجاوزگران از خاک لبنان شدند. جنبش غیرمتمهدها که از حواسنازهای عادلانه مردم فلسطین حمایت می کند علیه تجاوزات اسرائیل موضع گیری کرد. کفرانس جنبش غیرمتمهدها خواهان عقب نشینی اسرائیل از تمام سرزمین های اشغال شده در سال ۱۹۶۷ شد.

مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه‌ای را به پیشنهاد ۶۶ کشور، با اکثریت
بردیگ به تمام حقوق کرد که در آن تجاوز رژیم صهیونیستی اسرائیل به
لبنان بشدت محکوم شده و خروج نیروهای صجاوز اسرائیلی اشغال شده طلب
گردیده است. نماینده آمریکا در این مجمع از حقوق این قطعنامه ابرار تاسف
کرد.

نیروهای ترغیخواه و انقلابی در کشورهای مختلف به طرق گوناگون ارجحه
برگزاری تظاهرات به حمایت از مردم لبنان و فلسطین برجااستند. در پاریس،
کینهاگ، برلین، مادرید و شهرهای آمریکا مردم طی تظاهرات دهها هزار
نفری د امیرالیسم تجاوزگر و تجاوزات رژیم صهیونیستی اسرائیل را بشدت
محکوم کردند.

جنبه جهانی ضد امیرالیسی قطعنامه در کار مردم لبنان و فلسطین
ایستاده است و آنها را، که خود جزئی تفکیک ناپذیر از این جنبه هستند تا
بهروری نهایی که عینا فرا خواهد رسید، بازی می‌رسانند. کشورهای
سوسیالیستی مجموعه کشورهای ضد امیرالیست و جنبش‌های رهایی‌بخش
ملی و جنبش طغه کارگر در کشورهای سرمایه‌داری که ارگان این جنبه نیرومند
جهانی هستند همه در نبود علیه دشمن مشترک یعنی امیرالیسم جهانی به
سرگردگی آمریکا آماج‌های مشترکی دارند که آنها را عینا بهم پیوند می‌دهد.
علیرغم خواست امیرالیسم، همپیوندی این نیروها پیوسته زرفتر می‌شود و
صفوف آنها فشرده‌تر می‌گردد. انقلاب ضد امیرالیستی و مردمی صیبن ما حربی
تفکیک ناپذیر از این جنبه جهانی است و فوفا مورد حمایت آن است. انقلاب
ما نیز مانند دیگر انقلاب‌ها و دیگر جنبش‌های انقلابی باید در تحکیم اتحاد
همه کشورها و نیروهای ضد امیرالیست جهان، در حکم موضع جنبه جهانی
ضد امیرالیستی در برابر امیرالیسم جهانی سرگردگی آمریکا بگوشد و در برود
برای استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی امکانات بیگران آن بهره‌مند شود.
در شرایطی که امیرالیسم سرگردگی آمریکا همه امکانات خود را برای ضربه زدن
به انقلاب ما و گل جنبش انقلابی منطقه وارد می‌آورد و هر روز نوطشسه
ددمشانه‌تری نیاز می‌کند پاسخ مقدم ما چیزی جز اتحاد همه نیروهای مدافع
انقلاب در کشور و اتحاد با همه کشورها و نیروهای ضد امیرالیست منطقه و
جهان نمی‌تواند باشد.